

تحلیل محتوایی شعر پایداری آلمان و شعر دفاع مقدس ایران

ساره زیرک^۱

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

سپیده یگانه^۲

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه الزهرا

ستاره جاویدان^{*۳}

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

(تاریخ دریافت: ۹۷/۰۵/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۵)

چکیده

ادبیات پایداری دعوت به ایستادگی در دوران انقلاب یا دوران استبداد و دعوت به مبارزه با دشمن خارجی یا داخلی یا حتی نفسانی است که از ابتدای پیدایش بشر وجود داشته و نویسندگان در تمام جوامع، متناسب با فرهنگ آن جامعه به نگارش این نوع ادبی پرداخته‌اند. این نوع ادبی شامل گونه‌های مختلفی می‌باشد که هر یک گرایش‌های فرمی، زبانی و محتوایی خاص خود را داشته‌اند. یکی از این گونه‌ها شعر پایداری می‌باشد که به واسطه محتوا و مضمون، راه خود را از دیگر اشعار جدا ساخته است. این نوع شعر، خصوصاً پس از وقوع دو جنگ جهانی، بسیار مورد توجه شاعران جهان قرار گرفت. در ایران نیز این نوع شعر از دیرباز مورد توجه شاعران قرار داشت؛ اما پس از وقوع جنگ تحمیلی و سروده‌های پیرامون آن که با عنوان شعر دفاع مقدس شناخته می‌شود، بیش از پیش خود را نمایان ساخت. مقاله حاضر بررسی محتوایی شعر پایداری کشور آلمان (پیرامون دو جنگ جهانی) و شعر دفاع مقدس ایران، از طریق یافتن انگاره‌های به کاررفته در آن‌ها می‌باشد که با هدف مقایسه مضامین آن نوشته شده است.

کلمات کلیدی: ادبیات پایداری، شعر دفاع مقدس، شعر پایداری، دو جنگ جهانی، انگاره.

* . نویسنده مسئول: setareh.javidan@gmail.com

۱. مقدمه

ادبیات پایداری، همان دعوت به ایستادگی در دوران انقلاب یا دوران استبداد و دعوت به مبارزه با دشمن خارجی یا داخلی یا حتی نفسانی است. هرچند که مقاومت از ابتدای پیدایش بشر وجود داشته و به طبع در هر فرهنگی هم ادب مقاومت وجود دارد، اما با این حال در حال حاضر آن قدر که در دنیا منابع غنی از ادب جنگ وجود دارد از ادب مقاومت خبری نیست و چون مضمون آزادگی و ایستادگی متعالی تر از یأس و تمسخر است، ادبیات مقاومت ظرفیت وسیع تری برای بالندگی و پیشرفت خواهد داشت (ترابی، ۱۳۹۰: ۷۶ تا ۵۹).

در واقع «ادبیات مقاومت، بازتاب برخی دردهای مشترک میان تمام جوامع بشری است که شاعران به عنوان وجدان آگاه جامعه، آن‌ها را فریاد می‌زنند و یادکردشان جوشش ضمیر شاعران را به مضمونی مشترک بدل می‌کند» (کافی، ۱۳۸۷: ۳۸۹).

این نوع ادبی گونه‌های متنوعی را از سروده‌ها، خاطره‌نگاشت‌ها، داستان، رمان و به ویژه داستان کوتاه، زندگی‌نامه داستانی، نامه‌ها و وصیت‌نامه‌ها، رجزها و شعارها، مزارنوشته‌ها و مزارسروده‌ها، تابلونوشته و راه‌نوشته‌ها، پیشانی‌بند نوشته‌ها، تابوت‌نوشته‌ها، گزارش‌ها، سفرنامه‌ها و یادداشت‌های روزانه را در بر می‌گیرد. در مقاله حاضر با عنوان «تحلیل محتوایی شعر پایداری آلمان و شعر دفاع مقدس ایران»، از بین گونه‌های عنوان‌شده ادبیات پایداری، شعر پایداری مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۱. پیشینه

در طول تاریخ، اشعار بسیاری در ستایش مبارزان و حماسه آفرینان سروده شده است؛ اما آنچه شعر پایداری را از دیگر اشعار متمایز می‌سازد همان عنصر مقاومتی آن است. از آنجا که ظلم و بی‌عدالتی و در مقابل آن انگیزه دفاع از حق و مقاومت در برابر ستم، از دیرباز وجود داشته و اختصاص به سرزمین خاصی ندارد، شاعران شعر پایداری در تمام جوامع را بر آن می‌دارد تا همواره بیان آرمان‌ها، وطن دوستی و میهن پرستی، نمادگرایی تاریخی، صلح طلبی، تمجید از پیروزی، ستایش شجاعت رزمندگان، تشویق و تهییج به مقاومت و دعوت به پایداری و ایستادگی در مقابل متجاوزان داخلی یا خارجی را در اثنای آثارشان قرار دهند. البته اگرچه موضوعاتی همچون آرزوی صلح، ستیز با مهاجمان و دیگر موضوعات مطرح شده در شعر مقاومت ملل مشترک است، اما بعضی موضوعات از جمله توجه ویژه به مقوله شهید و شهادت، استفاده از آیات و روایات، احادیث و متون دینی و مذهبی از وجوه اصلی تمایز شعر پایداری ملل اسلامی و البته شعر دفاع مقدس ایران نسبت به سایر اشعار پایداری جهان می‌باشد. در نتیجه لازم است این تشابهات موضوعی که حاصل از پایداری در برابر تهاجم و حمله به مهاجم است، در کنار اختلافات موضوعی که متأثر از تفاوت انگیزه و عقاید مذهبی دینی و فرهنگ جوامع مختلف می‌باشد، مورد بررسی قرار گیرد تا ضمن بهره‌بردن از دستاوردهای فرهنگی حاصل از این تعاملات، هم هویت اسلامی و انسانی خویش را حفظ نموده و هم قدمی در جهت انتقال مقدس بودن دفاع و پیوند آن با ارزش‌های ملی و تاریخی برداشته شود؛ باشد که سهم شعر دفاع مقدس ایران در تکامل شعر پایداری نمایان شود.

۲-۱. بیان مسئله

ادبیات پایداری و دفاع، به‌عنوان یکی از ژانرهای ادبیات جهانی، دارای مصادیقی چشمگیر در ادبیات کشورهای است که در دوره‌هایی از تاریخ خود با جنگ و دفاع رویارو شده‌اند. کشور ایران نیز به‌عنوان کشوری که طولانی‌ترین دوره جنگ خارجی را در مقابله با هجوم عراق تجربه کرده، دارای ادبیات غنی پایداری است؛ از این رو بررسی تطبیقی ادبیات پایداری ایران با کشورهای مختلف جهان، می‌تواند باب تازه‌ای به ژانر ادبی پایداری باز کند تا از قیل آن، مشابهات و تفاوت‌های آثار ژانر مذکور مشخص و تبیین شود و زمینه برای پژوهش‌های تطبیقی فراهم آید. از این رو پژوهش حاضر می‌تواند از زوایای ادبیات تطبیقی به ادبیات پایداری آلمان و ایران پردازد و در هرچه بیشتر شناخته‌شدن مؤلفه‌های ادبیات دفاع مقدس ایران گامی مؤثر بردارد. شایان ذکر است که رویکرد کلی این پژوهش، تحلیل محتوایی محدود شعر آلمان و شعر دفاع مقدس ایران بوده و دیگر مباحث ادبیات را شامل نمی‌شود.

این مقاله تحت عنوان «تحلیل محتوایی شعر پایداری آلمان و شعر دفاع مقدس ایران»، در پی یافتن پاسخ به پرسش‌های ذیل می‌باشد:

۱. این سروده‌ها شامل چه مضامین و محتوایی می‌باشند؟

۲. وجوه افتراق و اشتراک مضامین به کاررفته در این اشعار چه می‌باشد؟

۳. آیا این اشعار بر یکدیگر متأثر بوده‌اند؟

۳-۱. روش پژوهش

در این مقاله، ابتدا بررسی گفتار فرامتنی اشعار بر متن انجام شد. با بررسی فرامتن و سپس یافتن انگاره‌ها نه تنها وجوه افتراق و اشتراک محتوایی سروده‌های پایداری نمایان شد، بلکه میزان به کارگیری و پراکندگی انگاره‌های یافته‌شده با پررنگ نمودن دیدگاه‌های برجسته و پیشی گرفته در اشعار جوامع ایران و آلمان، همگام با بحث تأثیرپذیری این اشعار بر یکدیگر مشخص گردید.

۲. بحث

۲-۱. تحلیل محتوایی شعر دفاع مقدس ایران

شعر دفاع مقدس که از زمان جنگ تحمیلی بر ایران آغاز و تا به امروز ادامه دارد، هرچند که موضوع محوری حول هشت سال دفاع مقدس ایران را در بر می‌گیرد اما تفاوت‌های متنی قابل مشاهده‌ای در اشعار مختلف این گونه ادبی وجود دارد که هویت این اشعار را که برخاسته از یک گونه ادبی هستند، متفاوت و مجزا می‌سازد. در ادامه به این ادوار در دو بخش پرداخته می‌شود:

- بخش اول، بررسی انگاره‌ای دوره اول شعر دفاع مقدس (۱۳۵۹ تا ۱۳۶۳)؛

- بخش دوم، بررسی انگاره‌ای دوره دوم شعر دفاع مقدس (۱۳۶۴ تا ۱۳۶۷).

بخش اول. بررسی انگاره‌های دوره اول شعر دفاع مقدس (۱۳۵۹ تا ۱۳۶۳)

در شعر دفاع مقدس دوره اول، پرداختن به مقوله جنگ از منظر احساسات و عواطف شاعر و بیان شادی‌ها، غم‌ها و

آرزوهای «من» نوعی یا «ما»ی اجتماعی شاعر، کاملاً ملموس است؛ لذا عنصر غالب و مسلط بر شعر دفاع مقدس دوره اول را، ژانر غنایی در بر می‌گیرد. «معنی دیگر ادب غنایی اشعار عاشقانه است» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۳۵). بر این اساس، در شعر دفاع مقدس محوریت به جای «من» محدود و شخص شاعر بر «من» نوعی و گاه «ما»ی اجتماعی است که به نمایندگی از جامعه خود به بیان احساسات و عواطف جمعی پیرامون پدیده جنگ عراق علیه ایران به عنوان فرامتنی تاریخی، سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیک می‌پردازد؛ اما قرارداد شعر دفاع مقدس در حوزه ادبیات غنایی به معنای نفی و انکار بن‌مایه‌ها و عناصر حماسی در آن نیست. این شعر غنایی دارای انگاره‌هایی می‌باشد که در ادامه می‌آید؛ ضمن آنکه طبقه‌بندی آن براساس عنصر غالب صورت گرفته است و این به معنای انکار دیگر بن‌مایه‌های محتوایی نیست.

۱-۱-۲. انگاره تکریم

از انگاره‌هایی که در شعر دفاع مقدس دوره اول برجسته می‌باشد، انگاره تکریم است. ستایش و مدح از قدیمی‌ترین محورهای انگاره‌ای شعر فارسی است، اما در شعر دفاع مقدس با رویکردی جدید جلوه می‌نماید؛ از این رو به جای شعر مدحی یا ستایشی از واژه تکریم برای این نوع شعر استفاده می‌شود. تکریم در این دوره، بیش از همه حول محور فرد یا افرادی خاص در مقام ممدوح شکل می‌گیرد که در رأس شعر به آن‌ها اشاره شده است. تکریم در شعر این دوره، هم در مفاهیم خاص و هم در مفاهیم کلی به کار برده شده است. در مفاهیم خاص موردی مشخص (اعم از فرد یا مکان خاص) مورد ستایش قرار می‌گیرد؛ ولی در تکریم مفاهیم کلی یک مفهوم کلی و یا قشری از جامعه که درگیر جنگ است مورد ستایش قرار می‌گیرند. در این شعر بیشترین فراوانی به تکریم امام خمینی (ره)، رزمندگان و شهدا اختصاص دارد. برای تبیین این انگاره، از زیرانگاره‌های متعددی استفاده شده است که برخی از برجسته‌ترین آن عبارت‌اند از:

۱-۱-۱-۲. زیرانگاره توصیف ابعاد شخصیتی ممدوح با استفاده از عناصر طبیعت

ای رحمت حق سحاب را مانی (مشفق کاشانی، ۱۳۶۵: ۱۶۴)

۱-۱-۲-۲. زیرانگاره لزوم اطاعت از مقام رهبری

خوش بود شور حسینی داشتن سر به فرمان خمینی داشتن (مشفق کاشانی، ۱۳۸۲: ۳۲)

۱-۱-۳-۲. زیرانگاره آرزوی طول عمر ممدوح

خواهم از آن درگه ذات باری وجودت بماند تا طلوع گل سرخ خورشید صاحب‌زمانی (براتی‌پور، ۱۳۶۹: ۱۸)

۱-۱-۴-۲. زیرانگاره امیدواری به حصول پیروزی

خوش برآیند که در حجله نورانی فجر شاهد فتح و ظفر تشنه آغوش شماس است (اخلاقی، ۱۳۷۸: ۴۲)

۵-۱-۱-۲. زیرانگاره فراخوانی مردم به صبر و استقامت

جهاد پاک نو صبر است مادر خوبم...
مربز اشک و مکن ناله در شهادت من
(وحیدی، ۱۳۸۱: ۷۵)

۶-۱-۱-۲. زیرانگاره ابراز عشق و ارادت به رهبری

هلا، نسیم سبک خیز، ای برید سحر
پیام تهنیت ما بر آن امام بزرگوار
(سبزواری، ۱۳۸۹: ۱۴۹)

۲-۱-۲. انگاره توصیف

پس از تکریم، توصیف دومین انگاره رایج در اشعار این دوره می‌باشد. وصف یکی از مضامین رایج در ادب غنایی می‌باشد که طی آن سوژه انتخاب شده توسط سراینده ادراک و از منظر وی وصف می‌شود. در این راستا، از طریق انتقال احساسات و مدرکات سراینده به خواننده، بین آن‌ها مشترکات حسی و ادراکی به وجود می‌آید. حال، گاه این توصیفات ارائه شده توسط سراینده مستقیماً با مشاهده خودش کسب شده و گاه از طریق مشاهده غیرمستقیم سراینده‌گان شعر دفاع مقدس این دوره هم، قصد داشتند با توصیف جنگ برای خوانندگان، آن‌ها را با مقوله‌های مرتبط با جنگ آشنا سازند که از میان آن می‌توان به اجرای عملیات و نتایج آن، سقوط و آزادسازی شهرها و... اشاره کرد. آثار توصیفی نیز همانند آثار تکریمی، بیش از همه در قالب غزل و رباعی سروده شده است که حمید سبزواری سردمدار این شعر می‌باشد.

توصیف‌های به کار برده شده در شعر این دوره، پیرامون دو محور کلی شکل گرفته است:

الف. توصیف زمینه‌های آغاز جنگ و روندی که تا زمان سرایش آن پشت سر گذاشته است؛

ب. توصیف پیامدهای جریان جنگ در بعد عمرانی و انسانی کشور.

البته در پردازش این دو محور، زیرانگاره‌هایی به کار رفته‌اند که در ذیل به برخی از برجسته‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱-۲-۱-۲. زیرانگاره توصیف شرایط دشوار جنگ

هر روز و شب، توفان مرگ، از آتش و دود
بر جان مظلومان، ز مرد و زن نشینند
(مشفق کاشانی، ۱۳۸۲: ۵۹)

۲-۱-۲-۲. زیرانگاره ویرانی‌های شهرهای درگیر جنگ حتی پس از آزادسازی

شهر من ای شهر پیکر سوخته
باغ و بستانت سراسر سوخته
(وحیدی، ۱۳۷۴: ۱۰۳)

۳-۱-۲-۲. زیرانگاره توصیف ابعاد شخصیتی امام خمینی و نقش او در هدایت جنگ و ثبات شرایط داخلی

مردی در آمد، چه مردی، در رهبری رهنوردی
فرزانه دردی بس تلخ و شیرین چشیده
(سبزواری، ۱۳۸۹: ۶۷)

۲-۱-۲-۴. زیرانگاره توصیف پیروزی‌ها در عملیات

طلوع فجر درخسید و مژده‌باران کرد
دوباره سنگر خونین شب‌شکاران را
(وحیدی، ۱۳۷۴: ۱۵۶)

۲-۱-۲-۵. زیرانگاره توصیف جنگ در شهرها

مزدور استکبار چون عاجز شد از جنگ
بهر رهایی زد به جنگ شهرها چنگ
با بمب و موشک کرد ویران شهرها
بنشانند در خون مردمان بینوا را
(مردانی، ۱۳۶۸: ۳۲۸)

۲-۱-۲-۶. توصیف ابعاد شخصیتی و عملکرد قشرهای مرتبط با جریان جنگ (ارتش، بسیج، سپاه)

به فاو و بصره ز هر سو شراره افکندید
خلل به حصن و حصار بیاره افکندید
(سزواری، ۱۳۸۹: ۲۱۳)

علاوه بر این توصیفات، شاعران این دوره توصیفی هم از شرایط دشوار مردم فلسطین و جنگ با اسرائیل داشته‌اند که اگرچه در ارتباط مستقیم با جریان دفاع مقدس نیستند، اما می‌توان آن را بخشی از شعر انقلاب که شعر دفاع مقدس در رابطه تنگاتنگی با آن است قلمداد کرد. توصیف ترور آیت‌الله بهشتی و همراهانش نیز از این دسته می‌باشد.

۲-۱-۳. انگاره سوگ‌سراییی (رثا)

سومین انگاره پربسامد در شعر دفاع مقدس دوره اول، سوگ‌سراییی یا رثا می‌باشد. بررسی ساختار سوگ‌سراییی و انطباق آن با واقعیت و دوری از ابزارهای تخیل، نشان می‌دهد که با سنت‌گرایی در صورت و محتوا همراه شده است. سوگ‌سراییی یا شعر گفتن در باب مرده با اظهار تأسف، در این دوره دارای دو محور «مرگ فرد یا افراد خاص» و «بیان آلام و مصائب من فردی یا اجتماعی» است که البته مورد اول بیشتر توجه شاعران را به خود جلب کرده است.

بزرگ‌مرد خردمندمرد ایران بود
همزاد بهار جاودان «چمران» بود
(وحیدی، ۱۳۸۱: ۹۳)

این انگاره با زیرانگاره‌هایی تقویت می‌شود که برخی پربسامدتر، اشاره می‌شود:

۲-۱-۳-۱. زیرانگاره غبطه بر دستیابی شهید به وصال الهی

در جشن خون و فریاد، جاننا مبارکت باد
ز آن پرتو سحرزاد رخ بی‌نقاب دیدن
(باقری، ۱۳۶۵: ۳۵)

۲-۱-۳-۲. زیرانگاره تبیین تأثرات اجتماعی از شهادت افراد

همه مدرسه ما غم بود / چار تا غنچه سرخ / در دل باغچه ما کم بود (امین پور، ۱۳۹۰: ۴۸۸)

۲-۱-۳-۳. زیرانگاره توصیف ابعاد شخصیتی و عملکرد شهید و تقریب آن با شخصیت انبیا

اگر رسول روزگار خویش می‌خوانمت / طواف بر مدار گزاف نکرده‌ام

تو با آن زخم کاری که در شقیقه داری / به «نه» گفتی «آری»! / و ما به خواری، زمزمه کردیم: «آری» / بزرگان «نه» را برمی‌گزینند و حقیران - به خواری - تن به «آری» می‌دهند! (حسینی، ۱۳۹۱: ۶۲ تا ۶۱)

۲-۱-۳-۴. زیرانگاره بازگشت پیکر شهیدان به زادگاه خود و چگونگی مواجهه با شهید (در مقام مادر، دوست و نیز راوی به‌عنوان شاهد عینی)

باور نبود این‌سان غرقت به خواب دیدن / آن گل - به خواب حتی - پرپر در آب دیدن
با هر نظر به زخم بر دیده آیدم آب / چشم نداشت تاب این آفتاب دیدن
(باقری، ۱۳۶۵: ۳۵)

۲-۱-۳-۵. زیرانگاره شهادت‌طلبی

الهی خون من سرخاب‌گون کن / الهی خون من را نیز خون کن
(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۹ الف: ۵۸)

۲-۱-۳-۶. زیرانگاره اشاره به نام عملیات‌ها و مکان‌هایی که شهید در آن حضور داشته یا محل شهادت - ز داغ او دل «هلاویه» در آتش سوخت (وحیدی، ۱۳۸۱: ۹۴)

۲-۱-۳-۷. زیرانگاره اندیشه فتح عراق

تعبیر خونشان کن یارب! به فتح یاران / دیدار کربلا را تا کی به خواب دیدن
(باقری، ۱۳۶۵: ۳۶)

۲-۱-۳-۸. زیرانگاره تقریب معنایی میان دشمنان ایران با دشمنان صدر اسلام

- پیکار ما با مشرکان، با بولهب‌هاست (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۹ الف: ۴۸)

۲-۱-۳-۹. زیرانگاره تقریب محتوایی میان امر دفاع در برابر عراق با واقعه عاشورا

بر دفتر عاشورا اینک ورقی دیگر / تا از پی ما خوانند این قصه به دوران‌ها
(سبزواری، ۱۳۸۹: ۱۲۶)

می‌توان گفت «اسطوره‌ای که شعر دفاع مقدس را کاملاً تحت سیطره خود قرار داده است عاشوراست» (فروغی جهرمی، ۱۳۸۹: ۳۷۱).

انگاره سوگ‌سرایی نه تنها در دوره اول شعر دفاع مقدس، بلکه در دوره دوم (۱۳۶۴ تا ۱۳۶۷) هم از بسامد بالایی برخوردار است. برخی شاعران در هر دو دوره به سوگ‌سرایی پرداخته‌اند، اما تفاوت‌هایی با آنچه در دوره اول سروده شده بود، در این اشعار مقابل مشاهده است که در آینده به آن می‌پردازیم.

۲-۱-۴. انگاره انگیزی

تحریک، تشجیع و برانگیزاندن سه واژه کلیدی انگاره انگیزی می‌باشند. محتوای این شعر تشجیع و ترغیب به دفاع، ایستادگی و نبرد می‌باشد. در شعر دفاع مقدس دوره اول، انگیزش به صورتی مستقل به کار برده شده است که گاه این

انگیزش به طور مستقیم امر به نبرد می‌نماید و یا به طور مستقیم خواننده را به نبرد برمی‌انگیزاند. زیرانگاره‌هایی که این انگاره را تقویت می‌کنند و البته مخاطب را به طور مستقیم به نبرد فرمان می‌دهد، عبارت‌اند از:

۲-۱-۴-۱. زیرانگاره تشجیع مخاطب به مبارزه

فارغ از چنبر تشویش سفر کن، ای مرد
جاده‌ها را همه لبریز کن، ای مرد
(وحیدی، ۱۳۸۱: ۳۸)

۲-۱-۴-۲. زیرانگاره دعوت به یکپارچگی و وحدت

ای یک‌تنه تن‌ها پیوند
بگذر ز منی، به خرمن ما پیوند
(سزواری، ۱۳۶۸: ۴۴۸)

برآید، برآید/ به وحدت بگرآید (سزواری، ۱۳۶۸: ۲۸۸)

۲-۱-۴-۳. زیرانگاره انتقاد از طمع مخاطب

خصم به میدان و تو، در سر بازار آز
جز تو به کالای تو، هیچ خریدار نیست
(سزواری، ۱۳۶۸: ۲۸۲)

۲-۱-۴-۴. زیرانگاره امید به پیروزی

شب رفتن است، ای دل بیدار (وحیدی، ۱۳۸۱: ۹۲)

۲-۱-۴-۵. زیرانگاره ضرورت امر نبرد

با اهل ستم نبرد می‌باید کرد (سزواری، ۱۳۶۸: ۴۶۳)
برخیز و راهی شو که بر گامت نیاز است (وحیدی، ۱۳۸۱: ۵۶)

زیرانگاره‌های بالا به طور مستقیم هدف خود را بیان کرده و انگاره انگیزش را در اشعار تقویت می‌نماید. اما همان‌طور که قبلاً بیان شد، در اشعار این دوره دفاع مقدس گاه انگیزش نه به صورت تخاطبی، بلکه به صورت غیرمستقیم و اخباری به خواننده القا می‌شود.

گه آن است که بی‌خویش و بی‌قرار شویم
شبان‌ه رخس خطرپوی را سوار شویم
گه آن است که پوشیم جوشن بی‌پشت
به خاک تیره فشانیم بذر صبح از مشت
(باقری، ۱۳۶۵: ۴۳)

۲-۱-۵. انگاره انتقادی

در شعر دفاع مقدس دوره اول، گاه شاعر به سنجش و قضاوت از «من» یا «فردی خاص» و گاه به انتقاد و قضاوت از دید «ملی» و «جهانی» و گاه حتی فراتر از آن به انتقاد از هویت‌ها و فلسفه‌های متفاوت می‌پردازد. این انگاره گاه به صورت محدود یعنی انتقاد از «من، تو، او»ی شخصی و فرد خاص و گاه به صورت گسترده یعنی انتقاد از «ما»ی جمعی و جهانی مطرح می‌شود:

و من ماندم و در قفا مانده داغ عزیزان
طفل ابجدخوان، نیارد نکته بر فرزانه گیرد
(سبزواری، ۱۳۸۹: ۱۷۰)

در شعر بالا، «او» فرد خاص، منظور بنی صدر است.

سایه مؤگان ز غفلت پرده‌دار دیده شد
بینش ما در غبار سادگی پوشیده شد
(سبزواری، ۱۳۶۸: ۳۴۰)

هر خشت هویزه همچو داغ ننگی
بر چهره مجمع حقوق بشر است
(سبزواری، ۱۳۶۸: ۴۴۶)

۶-۱-۲. انگاره عاشقانه

کمرنگ‌ترین انگاره شعر دفاع مقدس دوره اول، این انگاره می‌باشد. این انگاره تنها یک غزل کوتاه را از سیمین دخت وحیدی با عنوان «شهید نوجوان» شامل می‌شود؛ اما از آنجا که این عاشقانه‌سرایی به جلوه دیگری از عشق، یعنی عشق مادر و فرزند، می‌پردازد و کاملاً با عاشقانه‌سرایی کلاسیک متفاوت می‌باشد، قابل بررسی است. این شعر در واقع نقطه آغاز عاشقانه‌سرایی در شعر دفاع مقدس محسوب می‌شود.

باز هم فدای عشق، جان بی‌قرار می‌کنم
دیدن تو را چراغ شهر انتظار می‌کنم
باغ‌های خشک را همیشه من به یاد تو
سرزمین لاله‌های بی‌شمار می‌کنم
باز می‌کنم دوباره بال اشتیاق و باز
پرزدن به سمت خانه تو اختیار می‌کنم
(وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۲۳-۱۲۲)

بخش دوم. بررسی انگاره‌ای دوره دوم شعر دفاع مقدس (۱۳۶۴ تا ۱۳۶۷)

شعر دفاع مقدس در دوره دوم، در مقایسه با شعر دفاع مقدس در دوره اول، دارای تفاوت‌هایی می‌باشد که بررسی آن را به صورت جداگانه امکان‌پذیر می‌کند.

۷-۱-۲. انگاره انتقاد

اولین انگاره پرسیامد در شعر دوره دوم انتقاد می‌باشد. این انگاره که از دوره اول شعر دفاع مقدس آغاز شده بود، در این دوره هم مورد استقبال شعرا قرار گرفت؛ اما در این دوره برخلاف دوره پیشین که این انگاره از انگاره‌های کمرنگ محسوب می‌شد، توسط شاعران به پرکارترین انگاره تبدیل شد. شاعران این دوره با سرودن پانزده اثر با انگاره انتقادی، نشان دادند که تمرکز آن‌ها بر انتقاد و سنجش «من» فردی یا «من» ملی و جهانی رو به تقویت و رشد نهاده است. پس از بررسی اشعار انتقادی این دوره، می‌توان نتیجه گرفت که موضوع محوری انتقاد در سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۷، نشانه‌هایی از رسوخ فرهنگ غربی در جامعه ایرانی و غرب‌زدگی می‌باشد. در این دوره این مسئله حتی بیشتر از مادی‌گرایی و به فراموشی سپردن آرمان‌های انقلاب و جنگ مورد انتقاد شاعران است:

- می‌ترسم روزی به نام تمدن، به گردن بعضی زنگوله ببندازند!

می‌ترسم شلوارهای جین و چارلی کار دستمان بدهد / و شکلات‌های انگلیسی دهانمان را ببندد!

گاوهای چشم‌چران، آزادانه در خیابان می‌چرخند / پسرخوانده‌های مایکل جکسون به دانشگاه می‌روند.

انیشتین بی خوابگاه می ماند... (قزوه، ۱۳۹۰: ۵۶)

- امسال به ساعت‌های کاسیو اطمینان کردیم / و نماز صبحمان قضا شد (قزوه، ۱۳۹۰: ۵۹)

دو قطب تخطی انتقاد در این دوره، خود و جامعه می‌باشد که شاعران این دوره گاه این انتقاد را به صورت محدود (خوداتهامی) مطرح می‌کنند:

دیروز من بهانه و اما بود / امروز من بدون شهیدان است
فانوس چشم‌هام چه کم سو بود / تاریکی دلم چه فراوان است
(محمودی، ۱۳۶۹: ۱۴۵)

و گاه، این انتقاد گسترده شده و به انتقاد اجتماعی می‌پردازد و دو جامعه ایرانی و جهانی را در مواجهه با جنگ و پس از آن، مورد انتقاد قرار می‌دهد:

* انتقاد از جامعه ایرانی:

- این همه خون حجامت ملت بود / تا یک موی سیل شاپور زمان / سه دانگ فلان بانک باشد (قزوه، ۱۳۹۰: ۵۰)

- گفتیم:

دیروز چاره‌ساز این سر پر درد / یک پیشانی‌بند سبز بود / و امروز / جز با زبان سرخ نشاید که... / گوهر چه باد، باد (قزوه، ۱۳۹۰: ۶۷)

* انتقاد از جامعه جهانی:

- مادرم گفت:

«چرا وقتی موشک آمد، آن طرف‌تر کسی از غربت ما حرفی نزد؟!»

گفتم:

«امروز همه حنجره‌ها نامردند؛ زین سبب هیچ کسی، هیچ کجا حرفی نزد» (محمودی، ۱۳۶۹: ۱۰۶)

۸-۱-۲. انگاره سوگ‌سراییی (رثا)

انگاره سوگ‌سراییی که از دوره پیشین در شعر دفاع مقدس آغاز شده بود، توسط تعدادی از شاعران دوره اول و شاعران دیگر در این دوره (۱۳۶۴ تا ۱۳۶۷) نیز ادامه یافت و رو به افزایش نهاد. این نشان‌دهنده تمایل بیشتر شاعران به سوگ‌سراییی در طی این سال‌ها می‌باشد. این انگاره پس از انتقاد، دومین انگاره پر کاربرد توسط شعرای این دوره می‌باشد.

- باد هر لحظه لب پنجره شیون دارد (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۹ الف: ۲۵)

- بر شانه‌های ای کاش بر شانه‌های اشک

بر شانه‌های مهمه و فریاد / آه ای کجاوه‌های معلق در باد! (امین پور، ۱۳۹۰: ۱۰۹)

- به خود گذار مرا تا غزل غزل گریم (بیگی حبیب‌آبادی، ۱۳۶۹: ۱۶)

۹-۱-۲. انگاره تکریمی (ستایش)

در این دوره نیز همانند دوره قبل، ستایش و مدح در اشعار دفاع مقدس قابل مشاهده می‌باشد. انگاره تکریمی در این دوره

با همان ویژگی‌های ذکرشده در دوره اول، در آثار یافت می‌شود و مانند همان دوره، هدف از سرایش برخلاف سنت مدیحه‌سرایی، کسب منافع شخصی نیست؛ بلکه ابراز ارادت و علاقه به شخصیت‌های فردی و نوعی مرتبط با دفاع مقدس می‌باشد. زیرانگاره‌هایی که این انگاره را تقویت می‌کنند، به ترتیب بسامد عبارت‌اند از:

الف. تکریم رزمندگان، شهدا و مردم ایران

همان‌طور که پیش از این آمد، تکریم در شعر این دوره برخلاف سنت مدیحه‌سرایی، کسب منافع شخصی و حول یک فرد خاص نمی‌باشد؛ بلکه محوریت مضمون بر ستایش و ارادت به گروهی خاص است که ویژگی‌هایی همچون ایستادگی، صبر، شهادت‌طلبی و... را دارا می‌باشند.

ای زنده شهیدی که به معراج عبادت	هر روز وضو می‌کنی از زمزم اسلام (مردانی، ۱۳۷۰ الف: ۴۰)
عطران در مشام جان من است	باز هم روی شانه‌های من آید (اسرافیلی، ۱۳۸۶: ۱۵۳)
به استواری معیار تازه بخشیدید	شما نه مثل دماوند، او به شماسنت (محمودی، ۱۳۶۹: ۱۱۰)

ب. تکریم مقام عرفانی، سیاسی و دینی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای

هر غنچه اندیشه که در جان تو بشکفت	مدهوش شد از بوی خوشش عالم اسلام (مردانی، ۱۳۷۰ الف: ۴۰)
-----------------------------------	---

با بررسی اشعار مقدس در این دوره (۱۳۶۴ تا ۱۳۶۷)، متوجه می‌شویم که جریان ستایشی از ابتدا تا انتهای جنگ وجود داشته است و تنها تفاوت آن سیر حرکت این انگاره از سنت‌گرایی به نوگرایی در محتوا و صورت است و در موارد دیگر دگرگونی عمده‌ای مشاهده نمی‌شود.

۱۰-۱-۲. انگاره توصیفی

شعر توصیفی در این دوره نیز همانند دوره پیشین، در آثار سروده‌شده قابل مشاهده می‌باشد؛ البته با این تفاوت که شاعران در این دوره به توصیف حسی و ذهنی از فضای تاریخی، سیاسی و اجتماعی در اثنای جنگ می‌پردازند و دارای آثاری از هر دو حوزه فرامتن‌محور و بافت‌محور می‌باشند. از جمله شاعران برجسته این شیوه، احد ده‌بزرگی می‌باشد:

- فرو چکید عقیق از گلوی سرخ فلق (ده‌بزرگی، ۱۳۶۷: ۱۰۱)

با بررسی اشعار این دوره مشخص شد توصیف در اشعار، به دو صورت توصیف پدیده‌محور جنگ و توصیف پیامد‌محور می‌باشد. فضای آثار پدیده‌محور شاد بوده که توصیف پیروزی‌های به‌دست آمده از جنگ می‌باشد و برعکس، فضای آثار پیامد‌محور تیره و غمگین می‌باشد.

با ذکر هوالله واحد بت‌شکن قرن	بر تارک بت‌ساز بت‌فتنه تبر زد (ده‌بزرگی، ۱۳۶۷: ۵۵)
نواى فتح عراق است بر لب عشاق	بخوان به شور حسینی، هر آنچه با‌ا باد (ده‌بزرگی، ۱۳۶۷: ۱۰۲)

زیرانگاره‌هایی که برای تقویت این انگاره در اشعار این دوره دارای بسامد می‌باشند، عبارت‌اند از:

- الف. توصیف تصویری از ایستادگی مردم در برابر هجوم و تأثیر آن در شکست مهاجمان؛
ب. شخصیت‌پردازی کودک به‌عنوان نماد نسل آینده، پایداری و آرمان‌های انقلاب و تداوم ایستادگی در مقابل دشمن؛
پ. شخصیت‌پردازی کودک در به‌چالش کشیدن موضع‌گیری فطرت پاک انسانی در برابر واقعیت جنگ.
- و او همیشه از کشتن هیچ سربازی / خوش حال نمی‌شود (عبدالملکیان، ۱۳۸۴: ۶۱)

- طوفان از تبر / ناگه به جان جنگل افتاد / و هر چه را که کاشته بودیم / طوفانی به باد داد / در گرگ‌ومیش
آتش و خاکستر / جنگل ولی هنوز / نفس می‌کشید (امین پور، ۱۳۹۰: ۳۲۵)

- در ذهن کوچکش / نقش‌های مدور قالی / مین‌های دشمن است / همیشه، پا را به احتیاط بر زمین
می‌گذارد (عبدالملکیان، ۱۳۸۴: ۶۱)

با بررسی اشعار دوره دوم دفاع مقدس (۱۳۶۴ تا ۱۳۶۷)، سیر نزولی این انگاره (توصیفی) و کاهش جامعه آماری آن قابل مشاهده می‌باشد.

۱۱-۲. انکاره انگیزشی

همان‌طور که در دوره اول آمد شعر انگیزشی، محتوایی در تشجیع و ترغیب به دفاع و ایستادگی دارد. در این دوره شعر انگیزشی با محوریت «من» سراینده سروده شده است؛ اما در این دوره با سیر نزولی شعر انگیزشی روبه‌رو می‌شویم و تعداد محدودی سراینده‌گان در این دوره و البته به‌میزان کمتری از دوره پیش، به سرودن شعر انگیزشی پرداخته‌اند. البته در این دوره انکاره انگیزش با زیرانگاره‌های اندیشگی نیز تلفیق شده و با زیرانگاره‌هایی همچون اندیشه صدور انقلاب، التزام به پیروی از رهبری، فتح عراق و تعریف منزلتی جنگ علیه ایران با نبردهای حضرت علی (ع)، این انگاره تقویت شده است که در ادامه نمونه‌هایی از آن می‌آید:

- | | |
|----------------------------------|--|
| دریادلان ساحل سبز خلیج نور | با تیر غیب ناو ستم را فنا کنید
(ده‌بزرگی، ۱۳۶۷: ۸۲) |
| برخیز و درفش فتح بر باره اختر زن | وز باره بر آ چون مهر، بر تارک خاور زن
(مشفق کاشانی، ۱۳۸۲: ۱۲۷) |
| بیا دوباره به کوی بهار سر بز نیم | به کوچه کوچه آن، خانه‌خانه، در بز نیم
(بیگی حبیب‌آبادی، ۱۳۶۹: ۴۴) |
| چون رعد خروشنده، آتش‌پی و توفنده | شبگیر شهاب خشم، بر لشکر کافر زن
(مشفق کاشانی، ۱۳۸۲: ۱۲۸) |
| دوباره آفت پاییز بازمی‌گردد | اگر حصار نبندی حریم گل‌ها را
(محمودی، ۱۳۶۴: ۴۷) |

نمونه‌هایی از تلفیق انکاره انگیزش با زیرانگاره‌های ایدئولوژیک (اندیشگی):

* زیرانگاره صدور انقلاب

- فصل صدور نور شد ای شب‌سکارها (ده‌بزرگی، ۱۳۶۷: ۸۲)

* زیرانگاره تقریب منزلتی جنگ تحمیلی ایران با نبردهای حضرت علی (ع)

- ای دست علی در دست، در معرکه دشمن

سر از تن و تن از سر، با تیغ دو پیکر کن (مشفق کاشانی، ۱۳۸۲: ۱۲۸)

- بغداد خیبری دگر است ای دلاوران (دهبزرگی، ۱۳۶۷: ۸۲)

* زیرانگاره پیروی از رهبری

- سرپیچی از اطاعت شمس هدی خطاست (دهبزرگی، ۱۳۶۷: ۸۲ تا ۸۱)

۱۲-۱-۲. انگاره عرفان

این انگاره در شعر این دوره به اشعار دفاع مقدس اضافه شده است. هرچند که در اشعار دوره پیشین هم بن مایه عرفانی در اکثر آثار وجود داشت، اما از آنجا که در آثار این دوره به صورت مستقل و عنصری غالب نمود دارد، به طور جداگانه به آن پرداخته می شود؛ اگرچه بسامد بالایی ندارد.

در این اشعار، توصیف ناپذیری عوالم عرفانی و عدم امکان شناخت عقلانی آن، سبب شده است که شاعر در روایت خود، از تصاویر متناقض نما بهره ببرد تا سرشت عالم عرفان را به خواننده منتقل کند.

خواب می بینم ولیکن خواب نیست آب می بینم، ولیکن آب نیست
(اسرافیلی، ۱۳۸۶: ۱۹۹)

در این انگاره، شهادت که نزدیک ترین راه سلوک و وصال به بارگاه حق تعالی می باشد، با نفوذ جلوه های عرفانی در شعر دفاع مقدس بیان می شود و به عنوان یک زیرانگاره، این انگاره را تقویت می نماید:

خطی از خون و شقایق از شهید از علم داران بی دست رشید
(اسرافیلی، ۱۳۸۶: ۲۰۲)

زیرانگاره دیگر در این شعر، تأیید حصول کشف در خواب می باشد. این زیرانگاره که به عقیده صوفیان و حکمای مقله خواب، نوعی کشف است، در آثار مورد بررسی قابل مشاهده می باشد:

خوابها آینه ی یاداری اند... خوابها گاهی تکلم می کنند...
(اسرافیلی، ۱۳۸۶: ۱۹۹ تا ۲۰۴)

شایان ذکر است این انگاره (عرفان) که در دوره دوم شعر دفاع مقدس (۱۳۶۴ تا ۱۳۶۷) به اشعار دفاع مقدس افزوده شد، حاصل ارتباط متناظری با فرامتن تاریخی نظامی و نیز بافت تاریخی اجتماعی جنگ محسوب می شود.

۱۳-۱-۲. انگاره عاشقانه

این انگاره همانند دوره قبل کم بسامدترین انگاره در اشعار این دوره می باشد و تنها یک اثر که اساس آن بر یکی از جلوه های عشق، که عشق مولدوالدی و به عبارت دیگر فرزندپداری است، می باشد. مضمون این شعر حول محور رابطه عاطفی است که میان افراد خانواده وجود دارد و در ارتباط با بافت تاریخی اجتماعی جنگ سروده شده است و حاصل نگاه پایه محور آن است.

پس پدر کی ز جبهه می آید؟
گفت مادر به کودکش که، بهار
باز کودک ز مادرش پرسید
گفت مادر که هر زمان در باغ
باز کودک ز مادرش پرسید
غنچه‌ها و شکوفه‌ها که رسید
کی بهار و شکوفه می آیند؟
غنچه‌ها لب به خنده بگشایند
(امین پور، ۱۳۹۰: ۴۷۶)

۲-۲. تحلیل محتوایی شعر پایداری آلمان

از آنجاکه شعر مقاومت هر سرزمینی ریشه در احساس و عواطف شاعر آن داشته و دانش و بینش و روحیه و علائق شخصی آن‌ها در رابطه مستقیم با جنگ‌ها، نبردها، مقاومت و مبارزه‌های مبارزین و آزادی‌خواهان آن سرزمین در مقابل ستمگری حاکمان و یا در دفاع مقابل مهاجمان زورگو می‌باشد، می‌توان شاهد تفاوت فضا و محتوای موضوعی در اشعار پایداری جوامع مختلف بود. البته باید گفت محتوا و مضمون آثار نویسندگان و شعرای کشورهای متجاوز و مهاجم، تفاوت‌هایی با آثار سرزمین‌های تحت هجوم و اشغالی داراست؛ چراکه این گروه بیشتر پیرامون جنگ و تبعات آن نوشته‌اند، تا مقاومت و پایداری انسان‌ها و رشادت رزمندگان و سلحشوری‌های آنان. این موضوع در مورد آثار پایداری کشور آلمان که در هر دو جنگ جهانی از اصلی‌ترین کشورهای مهاجم و متجاوز به شمار می‌آید، قابل مشاهده می‌باشد. از بین این نویسندگان می‌توان از هانریش بل آلمانی نام برد که دارای آثار ارزنده‌ای در بیان حقایق جنگ و بیان مبارزه ملت‌های تحت اشغال می‌باشد.

تحلیل محتوا یکی از شیوه‌هایی است که ضمن استخراج مضامین متن، دیدگاه‌های خاص موجود در آن را آشکار می‌سازد. در جهت تحلیل محتوا و موضوع شعرهای پایداری آلمان، می‌توان این اشعار را به چند انگاره اصلی طبقه‌بندی کرد:

۱-۲-۲. تصویر و توصیف مظلومیت مردم تحت ستم و بیان بی‌عدالتی‌های حاکم بر جامعه:

- آیا سرزمینی را می‌شناسی که در آن تنها توپ می‌شکوفد؟
نمی‌شناسی؟ پس به زودی خواهی شناخت؟ - در آنجا بازرسان حکومت، مغرور و بی‌اعتنا
در ادارات فرمان می‌دهند، گویی که در سرباز خانه‌اند - در آنجا زیر کراوات دکمه‌های اونیفورم می‌روید
و شهروندان، کلاه‌خودهای نامرئی به سر می‌گذارند - در آنجا چهره است، اما مغز نیست...
آیا این سرزمین را می‌شناسی؟ - سرزمینی که می‌تواند خوشبخت باشد؟ - و خوشبخت کند؟
در آنجا همه چیز هست: زمین، زغال، فلز، سنگ - پشتکار، نیرو و خیلی چیزهای خوب دیگر.
در آنجا انسانیت هست، اما گاه‌گاه - شجاعت هست، اما نه در همه.
در آنجا در درون هر دو مرد، کودکی پنهان است - کودکی که می‌خواهد با سرباز سربازی بازی کند.
در آنجا میوه آزادی نمی‌رسد، کال می‌ماند - و همه بناها سرانجام به سربازخانه تبدیل می‌شود.
آیا این سرزمین را می‌شناسی که در آن‌ها توپ شکوفه می‌کند - نمی‌شناسی؟
پس به زودی خواهی شناخت

(اریش کسترن،^۱ «تمثیل راه آهن»؛ به نقل از: وزیری نسب)

1. Erich Kastner (1899-1974)

- هیچ‌گاه دوستان نداشته‌ایم - ای حاکمان رنگارنگ
تنها مقامتان کافی است - تا کبوتران را بتارانند
از سقف خانه‌ها

(ترابی، ۱۳۸۴: ۲۹؛ به نقل از: آرنوراین فرانک^۱ در: «پیروزی‌های گذرا»)

- چه کسی شهر «تیس»^۲ هفت‌دروازه را ساخت؟
در تمام کتاب‌ها آمده است که شاهان آن را ساختند.
آیا سنگ‌های ساختمانی این شهر را، شاهان از معدن کنده‌اند؟
و شهر «بابل» را که بارها ویران شد
چه کسی بارها آن را بازسازی کرده است؟

(گاتفرید بن،^۳ «کارگران کار می‌کنند و می‌پرسند»؛ به نقل از: ترابی، ۱۳۸۴: ۱۲۳)

- اول سراغ کمونیست‌ها آمدند،
سکوت کردم، چون کمونیست نبودم.
بعد سراغ سوسیالیست‌ها آمدند،
سکوت کردم، زیرا سوسیالیست نبودم.
بعد سراغ یهودی‌ها آمدند،
سکوت کردم، چون یهودی نبودم.
سراغ خودم که آمدند
دیگر کسی نبود تا به اعتراض برآید

(Mayer^۴, 1955: 168)

۲-۲-۲. استفاده از اسطوره، افسانه و تاریخ جهت محکم‌ساختن پیوندهای قومی و ملی:

- آیا بیزانس معروف، چیزی نبود جز قصرها؟
پس مردم کجا زندگی می‌کردند؟
و خود «آتلانتیس»
که دریا در شبی افسانه‌ای، آن را بلعید
و می‌گویند به خاطر بردگانش در آب فرو رفت

(گاتفرید بن، «کارگران کار می‌کنند و می‌پرسند»؛ به نقل از: ترابی، ۱۳۸۴: ۱۲۳)

۲-۲-۳. ستایش از رزمندگان و یاد قربانیان جنگ:

- ...جایی نزدیک به برف - نزدیک به خورشید
در بالاترین زمین‌ها - ببینید که چگونه این نام‌ها

1 . Arno Reinfrank (1934-2001)
2 . Thebes
3 . Gottfried Benn (1886 – 1956)
4 . Milton Sanford Mayer (1908-1986)

همانند علف‌های موج - در زمزمه باد
بر این پرچم‌های سفید - زیر آسمان گوش فراداده
در حال اهتزازند. نام کسانی که در زندگی‌شان برای زندگی جنگیدند
کسانی که سینه خود را - سپر آتش قرار دادند.
متولدان خورشید - مدت کوتاهی را به سمت خورشید رفتند
و در نهایت، این نشان‌شدگان آسمانی
با افتخار و خوش حالی [ما را] ترک گفتند

(spender¹, 2004: 104)

- آیا اسکندر جوان، به تنهایی بر هندوستان پیروز شد
و سزار، کشور گل را سرکوب کرد؟
آیا حتی یک آشپز هم همراهش نبود؟
آیا تنها فیلیپ، پادشاه اسپانیا، بود که نالید
هنگامی که ناوگان دریایی‌اش غرق شد،
و هیچ کس دیگری ننالید؟

(گاتفرید بن، «کارگران کار می‌کنند و می‌پرسند»؛ به نقل از: ترابی، ۱۳۸۴: ۱۲۳)

۲-۲-۴. ارائه تصویری‌های تکان‌دهنده از لحظه‌های جنگ و ثبت لحظه‌های تاریخی نبرد:

- دهان دختری که مدت‌ها روی نی‌ها لم داده بود - تکان تکان می‌خورد.
وقتی از نیم‌تنه به‌زور گشودیمش - مری‌اش پُر از سوراخ بود.
سرانجام در گوشه زیرین دیافراگمش - لانه بچه‌موش‌ها را یافتیم؛
یک موش ماده کوچک آنجا مُرده بود - مابقی
از جگر و کلیه دخترک می‌خوردند - خون سرد می‌نوشیدند و از کودکی خوبشان لذت می‌بردند.
مرگ‌شان هم به همان خوبی و سریع بود: - همه بافت را انداختیم توی آب.
وای! چطور آن دهان‌های کوچک تکان تکان می‌خوردند!

(گاتفرید بن، «گوشت»؛ به نقل از: ترابی، ۱۳۸۴: ۱۴۳)

- اما در انتهای چمن زار
ابرهای سرخی،
که خدای خشمگین بر فرازشان ایستاده است
به آرامی، خون‌های جاری را گرد می‌آورد.
سرهای کمرنگ
تمام جاده‌ها به پیکر کشتگان ختم می‌شوند

(گائورگ تراکل، ۲ «گروودک»؛ به نقل از: ترابی، ۱۳۸۴: ۱۴۸)

- ما بیل می‌زنیم آسمان را

1 . stephen spender(1909-1995)

2. Georg Trakl (1881-1914)

تا به گوری تنگ دست یازیم
آنجا که جایی برای آدمیزاد نیست.
او فریاد می‌دارد: شما، زمین را عمیق‌تر بیل زنید
و شما دیگران، بخوانید و بنوازید.
او به سلاح کمربندش دست می‌برد
و چشمانش را می‌گرداند
- چشمانش که آبی هستند -
بیل‌ها تان را شما عمیق‌تر فرو کنید
و شما دیگران، همچنان بنوازید و برقصید.
شیر سیاه سپیده‌دم را
ما تو را شباهنگام می‌نوشیم
ما تو را ظهرها و صبح‌ها می‌نوشیم
ما تو را عصرها می‌نوشیم
ما می‌نوشیم و می‌نوشیم.
او فریاد می‌دارد که مرگ را شیرین‌تر بنوازید
مرگ، استادی است که از آلمان می‌آید.
او فریاد می‌دارد که چنگ‌های تان را تاریک‌تر بزیند
و سپس چون دود به آسمان رهسپار گردید^۱
و آنگاه گوری میان ابرها خواهید داشت
آنجا که جایی برای آدمیزاد نیست

(پل سلان،^۲ «فوک مرگ»؛ به نقل از: کردی، ۱۳۹۴)

۵-۲-۲. یاد از زندانیان سیاسی و امید و آرزوی رهایی زندانیان و بازگشت به وطن:

- تهدیدهای شما بر باد خواهد رفت
بادها باروها را درهم می‌ریزند.
به زندگی‌مان ادامه می‌دهیم
و با ما خواهند بود
آنانی که بیشتر از شما دوستشان داشتیم.
ببینید، ای حاکمان بابل
و شما یانی که بعد از آنان آمدید
چه گذرا بود پیروزی‌های شما.

(آرنو راین فرانک، «پیروزی‌های گذرا»؛ به نقل از: ترابی، ۱۳۸۴: ۱۷۲)

۱. اشاره به قتل عام یهودیان در کوره‌های گاز، طی سال‌های جنگ جهانی دوم.

2. Paul Celan (1920-1970)

۶-۲-۲. تهییج رزمندگان و ابراز خشم و نفرت شخصی خود و رجز خوانی، جهت تشویق مبارزان راه آزادی و مقاومت:

- زور می گوید: آنچه هست این گونه خواهد ماند - هر صدایی جز صدای حاکمان خاموش!...
لیک بسیاری به خیل بردگان، نومید، می گویند: - آنچه می خواهیم ما هرگز نمی آید...
هان و هان تا زندگی باقی است، واژه هرگز نباید گفت - آنچه محکم بود دیگر نیست
آنچه هست اکنون، این چنین دیگر نخواهد ماند - حاکمان آنکه که حرف خویش بس کردند
حرف محکومان شود آغاز - پس که را یاری آن باشد که «هرگز» بر زبان آرد؟
دیرپایی ستمکاران، متکی بر کیست؟ - بی گمان بر ما
محو استیلای جباران - متکی بر کیست؟ - همچنان بر ما
ای فروافتاده، برپا خیز! - ای سپر انداخته، بستیز!
کیست بتواند ببندد راه بر آن کس که از وضع خود آگاه است؟ - پس توده مغلوب امروزین فاتح فرداست
وان زمان «هرگز»، بی گمان «امروز» خواهد شد

(بر توتل برشت؛^۱ به نقل از: عبدالمهی و غضنفری، ۱۳۹۱: ۱۸۹ تا ۱۹۰)

- قطعه قطعه مان کردند و دورمان ریختند - دیگر ما سد راه شده بودیم.
صدای قربانیان را شنیدیم - و فریاد خشممان که برخاست
و بار دیگر خاک و خاشاک و آهن و آتش بود که فرود آمد.
ما از برادرانمان حفاظت کردیم - خون انسان با خون ما در هم آمیخته است
و در قلب های ما جاری شده است - همواره
ما به نشانه پیروزی
سرگور یارانمان خواهیم ایستاد.

(ایریک وینریت،^۲ «افسانه سنگفرش ها»؛ به نقل از: ترابی، ۱۳۸۴: ۲۸۲)

- جنگ دیگر اعلان نمی شود، - ادامه دارد
ناخوانده روزانه فرامی رسد. - قهرمان - از نبرد غایب است.
ناتوان - عازم میدان آتشبار شده است.
یونیفورم روز است شکیبایی، - نشان شایستگی ستاره نومید
امید است بر قلب - مقرر می شود جنگ
هنگامی که هیچ اتفاقی نمی افتد، - هنگامی که بمباران صدایش در نمی آید،
هنگامی که دشمن ناپیدا شده است - و سایه جنگ افزاز ازلی
آسمان را می پوشاند - مقرر می شود جنگ
برای گریز از پرچم - برای لافزدن در برابر دوستی
برای افشای رازهای ننگین
و سر باززدن از
هر فرمانی.

(اینکه برگ باخمن،^۳ «هر روز»؛ به نقل از: احمدی، ۱۳۹۳: ۱۱۲ تا ۱۱۴)

1. Bertlot Brecht (1898-1956)
2. Erich Weinret (1890-1953)
3. Ingeborg Bachmann (1925-1973)

۲-۲-۲. انگاره ستایش از آزادی، آزادگی و دفاع از تلاشگران راه آزادی:

- آزادی

با پاهای برهنه، خسته، ورم کرده و شگفت زده
و تحقیر شده
لنگ لنگان گام برمی دارد.
اما سرت سلامت، آزادی!
روزی تو نیز
کفش خواهی پوشید
و شاید هم جوراب
روزی تو نیز کلاهی گرم به سر خواهی گذاشت
کلاهی با لبه‌هایی بلند برای پوشاندن گوش‌هایت
آنگاه در جاده‌ها قدم خواهی زد
بی‌هراسی از بادها و توفان‌ها
و در برابرت
دیگر مردم با دریغ و افسوس
سرشان را تکان نخواهند داد
و شاید هم به خانه‌هایشان دعوت کنند
و با غذایی پذیرایت گردند.

(هاینریش هاینه، «وعده»^۱ به نقل از: ترابی، ۱۳۸۴: ۲۸۶)

۳. نتیجه‌گیری

پس از بررسی انگاره‌های اشعار پایداری آلمان (پیرامون دو جنگ جهانی) و شعر دفاع مقدس ایران، مشخص شد شاعران این دو کشور انگاره‌های مشابهی، با پراکندگی متفاوت، در اشعار خود به کار برده‌اند:

۱. ترسیم چهره رنج کشیده و مظلوم مردم و بیان بیدادگری‌ها و بی‌عدالتی‌های حاکم بر جامعه؛
۲. دعوت به مبارزه، پایداری و براندازی دشمنان و تهییج و ترغیب مردم به ادامه راه نبرد و استقامت؛
۳. ستایش از رزمندگان و سلحشوران و یاد قربانیان جنگ، مبارزه و مقاومت؛
۴. ستایش آزادی، آزادگی و آزادی خواهی و دفاع از آزادی خواهان و رزمندگان و تلاشگران راه آزادی؛
۵. یاد از گذشته‌های دور و نزدیک وطن و اشاره به نقاط جغرافیایی و مکان‌های مهم و سرنوشت‌ساز، جهت ترویج حس نوع‌دوستی و وطن‌دوستی و نیز تصویر جغرافیایی جنگ؛
۶. استفاده از اسطوره، افسانه، تاریخ و وقایع مهم تاریخی، جهت محکم‌ساختن پیوندهای قومی و ملی و ترویج روحیه وحدت و یگانگی ملی برای مقاومت و مبارزه با بیگانگان متجاوز؛
۷. ارائه تصویرهای زیبا و گاه تکان‌دهنده از لحظه‌های جنگ و استقامت و ثبت لحظه‌های تاریخی حماسه و مقاومت؛

1 . Heinrich Heine(1797-1856)

۸. تهییج و تشجیع رزمندگان و آزادی خواهان و ابراز خشم و نفرت شخصی خود و گاه رجز خوانی، جهت تشویق مبارزان راه آزادی و مقاومت؛

۹. پرداختن به مسائل مربوط به زندان و زندانیان و تصویر زندان و یاد از زندانیان سیاسی، اسرا و تبعیدیان و آرزوی رهایی آنان از زندان و بازگشت تبعیدیان به وطن؛

۱۰. همدلی و همدردی با مردم سایر کشورهای تحت سلطه و ستم و یا درگیر در جنگ‌های داخلی و نیز مبارزان راه آزادی در سایر کشورها.

پس از بررسی انگاره‌های اشعار، مشخص شد که این آثار ادبی همانند هم، به میزان بالایی محصول تجربه‌های شخصی شاعران می‌باشند؛ در نتیجه به دور از خیال و مبتنی بر واقعیت سروده شده‌اند. اما از آنجا که نمی‌توان از تفاوت دیدگاه‌های عرفانی و مذهبی شعرای دفاع مقدس با شعرای آلمانی چشم پوشید، ناهمانندی محتوای این اشعار که غالب موضوع آن مربوط به انسان با بعدهای اجتماعی و فردی می‌باشد، ناگزیر می‌نماید. در نتیجه در اشعار دفاع مقدس، نه تنها تمامی انگاره‌های به کاررفته در اشعار پایداری آلمان قابل مشاهده است، بلکه انگاره‌هایی همچون تکریم و ستایش رهبران دینی و سردمداران کشور در کنار استفاده از اسطوره، افسانه و تاریخ، با گره خوردن به مذهب و باورها و اعتقادات دینی سهم عمده‌ای را در تکامل این نوع ادبیات دارا می‌باشد؛ در حالی که در اشعار پایداری آلمان، ملی‌گرایی بر دیدگاه عرفان و مذهب پیشی دارد. همچنین پیرامون تأثیرپذیری اشعار پایداری دو کشور از یکدیگر، باید گفت که تقدم زمانی دو جنگ جهانی بر جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، امکان تأثیرپذیرفتن اشعار آلمان از شعر دفاع مقدس ایران را غیرممکن می‌سازد؛ اما پس از بررسی اشعار آلمان، مشخص شد که شعر دفاع مقدس از لحاظ محتوا و مضمون بی‌تأثیر از اشعار پایداری کشور مذکور نبوده است (البته با وجود وجوه افتراقی که در قسمت بالا توضیح داده شد). شایان ذکر است این بررسی بدون در نظر گرفتن تأثیرپذیری این اشعار بر هم از لحاظ ظاهر، قالب و موسیقی می‌باشد؛ چراکه خارج از محدوده عنوان این مقاله است.

در نهایت، پس از انجام پژوهش حاضر و پاسخ به پرسش‌های پژوهش، شاهد تکامل «شعر پایداری» در اشعار دفاع مقدس ایران می‌باشیم؛ چراکه شعر دفاع مقدس ایران نه تنها پیام‌هایی همچون آزادی، حق‌طلبی، عدالت‌خواهی، وطن‌پرستی، ایثار و جانبازی، نوع‌دوستی و... را که به مرزهای جغرافیایی محدود نمی‌شود در خود جای داده، بلکه در سراسر حیات خود، تمام دگرگونی‌هایی که در جریان تحولات اجتماعی عصر جدید به وقوع پیوسته است را با دقت و حساسیت زیاد سروده و از این سروده‌ها برای بیان حمایت خود از آزادی اجتماعی، عدالت‌طلبی و دفاع مشروع استفاده می‌کند، تا ضمن آگاه کردن جهانیان از آرمان‌های بشر دوستانه، امروزی و انسانی گره خورده با عرفان و اسلام خویش، همگان را به مقاومت و پایداری فراخواند. بر این اساس، شعر دفاع مقدس ایران تکلمه‌ای بر شعر پایداری آلمان به شمار می‌آید.

فهرست منابع

۱. احمدی، ش. (۱۳۹۳). *ضمیمه‌های بی‌غرض مرگ*. تهران: کتاب سبز.

۲. اخلاقی، ز. (۱۳۷۸). *تبسم‌های شرقی*. تهران: سوره مهر.

۳. امین‌پور، ق. (۱۳۹۰). *مجموعه کامل اشعار*. تهران: مروارید.

۴. اسرافیلی، ح. (۱۳۸۶). رد پای صدا. تهران: تکا.
۵. باقری، س. (۱۳۶۵). نجوای جنون. تهران: برگ.
۶. براتی پور، ع. (۱۳۸۹). آتش سواران: سروده‌های دفاع مقدس. تهران: سوره مهر.
۷. بیگی حبیب آبادی، پ. (۱۳۶۹). غریبانه. تهران: امیر کبیر.
۸. ترابی، ض. (۱۳۸۴). راین و زنجیر. شعر مقاومت اروپا. قم: نسیم حیات.
۹. حسینی، س. (۱۳۹۱). هم صدا با حلق اسماعیل. تهران: سوره مهر.
۱۰. ده‌بزرگی، ا. (۱۳۶۷). در آینه شقایق. تهران: برگ.
۱۱. سبزواری، ح. (۱۳۶۸). دیوان اشعار. تهران: کیهان.
۱۲. ----- (۱۳۸۹). سرود سپیده. تهران: مؤسسه انجمن قلم ایران.
۱۳. شمیسا، س. (۱۳۸۳). انواع ادبی. تهران: میترا.
۱۴. عبداللهی، ع. و غضنفری، ع. (۱۳۹۱). گزیده اشعار برتولت برشت. تهران: گل آذین.
۱۵. عبدالملکیان، م. (۱۳۸۴). گزیده اشعار. تهران: مروارید.
۱۶. فروغی جهرمی، م. (۱۳۸۹). مقوله‌ها و مقاله‌ها. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۷. قزوه، ع. (۱۳۹۰). از نخلستان تا خیابان. تهران: سوره مهر.
۱۸. کافی، غ. (۱۳۸۷). ویژگی‌های مشترک شعر مقاومت در ادبیات ایران. به کوشش دکتر احمد امیری خراسانی. کرمان: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۹. کردی، ا. (۱۳۹۴). شعر فوگ مرگ از پل سزان. مجله ادبی پیاده‌رو، ۴ تیر ۱۳۹۴. در:
www.piadero.ir/portal/index.php/id=1175
۲۰. محمودی، س. (۱۳۶۴). دریا در غدیر. تهران: حوزه هنری.
۲۱. ----- (۱۳۶۹). فصلی از عاشقانه‌ها. تهران: همراه.

۲۲. مردانی، م. (۱۳۶۸). *یوسف دل*. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۳. مردانی، ن. (۱۳۷۰). *آتش نی*. تهران: اطلاعات.
۲۴. مشفق کاشانی، ع. (۱۳۶۵). *آذرخش؛ گزیده اشعار*. تهران: کیهان.
۲۵. ----- (۱۳۸۲). *سیرنگ*. تهران: فرهنگ گستر.
۲۶. موسوی گرمارودی، ع. (۱۳۸۹). *خواب ارغوانی*. تهران: سوره مهر.
۲۷. وحیدی، س. (۱۳۷۴). *یک آسمان شقایق؛ گزیده شعر جنگ*. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۸. ----- (۱۳۸۱). *هشت فصل سرخ و سبز؛ مجموعه اشعار دفاع مقدس*. تهران: برگ زیتون.
۲۹. وزیری نسب، ف. (۱۳۹۲). «شعر تمثیل راه آهن از ارایش کسستر». *مجله ادبی دبستان شعر و هنر*، ۸ خرداد ۱۳۹۲. در: www.vidah.rozblog.com/post/980
30. Mayer, m. (1955). *They thought they were free: The Germans 1933-45*. Chicago: university of Chicago press.
31. Spender, S. (2004). *new collected poems of Stephen spender*. London: Faber & Faber.